جیزیندان چیخما بالا

علی‌آقا واحد

بیلمه‌لییم من!

عاشیق اولالی زولفونه، ای گول، دەلییم من
اؤلدور منی، آسوده ائله، اؤلمه‌لییم من
زولفون کیمی آردینجا سوروشدم هارا گئتسن
هر یئرده، دؤشنم یئره، کریا خلییم من
مقصودون اگر جانیمی آلماق ایسه، ظالیم
ناز ائیلمه بیر کج نگه‌ین معطلییم من
دونیا او قدر عشوه‌لی دئلمیر یئتیریب دیر
چوخ حسنونه فخر ائتمه، دئمه شیوه‌لییم من
گؤرمسم کی سالیر لعل لب یاریسا مئیلین
بیگلمه‌لرین قانینی سوررام زەلییم من
هر کیم او قارا زولفه کؤنول وئرسه خطادیر
آمما یئنه من بندم، عجب گولمه‌لییم من
بیلمم نیه مه‌رولار اولور طالب اغیار؟
بو حکمئین آخیر سببین بیلمه‌لییم من
واحد منه جؤر ائیلر او گول، غئیره محبت
بیلمیش کی جفاچکمک اوچون صرفه‌لییم من

ادامه از همین صفحه...

این دین علمش به ز وجود است نبودنش بهتر است از بودنش. این دین را نداشته باشید برگردید به همان اعقاب خود که مردمانی آزاده بودند. آزادگی اجدادتان بهتر است از دینداری با قرائت اموی وسفیانی.

احرار جمع حر است. حر یعنی آزاد. در درون این واژه خصائل بسیاری نهفته است. قبل از اسلام که دوران جاهلیت بود، درعین حال افرادی متصف به صفات و خصائل انسانی بودند. از جمله جوانمردی و فتوت و بخشندگی. حِلف‌الفُضول یا سوگندنامه جوانمردی نام پیمانی‌است در تاریخ اعراب، که در سال‌های پیش از اسلام گروهی از جوانان مکه با یک‌دیگر بستند. آنها اجتماع کردند، و سوگند یاد کردند تا به ستم‌دیدگان و غریب‌افتادگانی که به شهر آمده، و مورد ظلم زورمندان مکه واقع شده‌اند یاری برسانند.

حضرت حسین (ع) به لشگر مخالف که اقدام به عملی کاملا غیر انسانی کردند وبه زن وبچه او حمله کردند، فرمود شما این عمل را به چه استنادی انجام میدهید؟ حتما به استناد دین ولی با تفسیر ابی سفیانی؟ در دین با قرائت ابی سفیانی هرگونه جنایتی بنام مصلحت ممکن است مشروع تلقی وبه راحتی انجام گیرد. این دین را کنار بگذارید و برگردید به آئیین جوانمردی وآزادگی وفتوت آزادگان درهنگام جنگ رادمردانه وجوانمردانه می‌جنگند. جوانمرد با رزمندگان می جنگد وهرگز به شهروندان تعرضی نمی کند. شهروندان مصون از تعرضند. زنان وکودکان مصون و تحت حمایتند واز هرگونه تعدی وتجاوز نظامی به دورند.

نکته مهمی که باید در اینجا متذکر شوم است این است که در گروه لشگر عمر سعد هم دینداران سفیانی بودند وهم خوارج. اسلام سفیانی با اسلام خوارج کاملا متفاوت ومتباین است نظر من دراین سخن این است که قرائت ابی سفیان آن بود که پیامبر(ص) تحت پوشش وحی ونبوت هدفش سلطنت وقدرت بوده نه چیز دیگر ولذا پس از تحریل گرفتن قدرت به هرنحو بایدآنرا حفظ کردوبه میراث نهاد. ولی خوارج منکر وحی نبودند بلکه درتفسیر دین کج اندیش بودند. درکربلا هردو گروه بودند. اما امام(ع) در این جمله همه حاضرین درصحنه را شیعه آل ابی سفیان خطاب فرموده ظاهرا نظر ایشان این است که باتوجه به اینکه قدرت در دست گروه سفیانی است حتی گروه خوارج هم رهبری گروه سفیانی را پذیرفته‌اند چون در هدف یعنی مبارزه با حسین وآل علی مشترک بودند. این زیاد ازگروه نخست است ولی شمر ازگروه دوم است.

از جمله امام(ع) می توان نتیجه گرفت که همواره دینداران جاهل آلت دست طالبان قدرت می شوند ودر کربلا چنین بوده است. درست مانند زمان ما ! در زمان ما ارباب قدرت که هرگز ازدین یا محتوای معنوی وروحانی وآسمانی برئی نبرده وکاملا منکرآن می باشند ، افراد دیندار کج اندیش را به تور میزنند وانگشت بر نقطه تحریک آنان می نهند واز احساسات دینی آنان استفاده می کنندوآنان را به خط مقدم می فرستند ، آنان می کشند وکشته می شوند ولی بهره را ارباب قدرت می برند.به نقل قرآن مجیدفرعون مردم را از طریق دین واحساسات دینی تحریک می کرد وآنان به مبارزه بلموسی دعوت می کرد.

اینکه امام (ع) با وجود آنکه افرادی مانند شمربن ذی الجوشن درلشکر عمرسعد هستند وبه یقین شمر به انگیزه دینی درجنگ علیه حسین شرکت کرده، معذلک همه را پیروان و شیعیان آل ابی‌سفیان خطاب فرموده بدان جهت است که می خواهند بفرمایند ای متدینین نادان! شما آلت و ابزار قدرت شده‌اید وخودتان نمی‌دانید! دینتان بندگی ارباب قدرت شده است. این دین را کنار بنهید و درزندگی دنیای خود آزاده باشید.

فرآورده‌های دفع پشه آئدس غیرواقعی است

سازمان غذا و دارو اعلام کرد: فرآورده‌های دافع حشرات از قبیل انواع روغن های گیاهی و سایر محصولات با ادعای مشابه فاقد مستندات علمی موثق هستند و بهترین روش برای جلوگیری از کاهش خطر ابتلا به بیماری، تب دنگی محافظت در برابر نیش پشه آلوده است.

به گزارش ایرنا از وزارت بهداشت، سازمان غذا و دارو در خصوص تبلیغات اغواگرانه دافع حشرات بویژه پشه آئدس در فضای مجازی، اعلام کرد: این فرآورده ها که به صورت انواع روغن های گیاهی و سایر محصولات و با ادعای مشابه عرضه می شوند، فاقد مستندات علمی موثق هستند.

در این اطلاعیه تاکید شده است: بهترین روش برای جلوگیری از کاهش خطر ابتلا به تب دنگی محافظت از خود در برابر نیش پشه آلوده با روش های استفاده از لباس های پوشیده، مجهز کردن پنجره ها به توری است؛ ضمن آنکه استفاده از محصولات مواد دافع حشرات مانند پشه می تواند خطر ابتلا را کاهش دهد.

سازمان غذا و دارو همچنین با اشاره به ورود محصولات جدید با مجوز سازمان غذا و دارو برای دفع پشه آئدس تاکید کرد: در حال حاضر محصولات دفع کننده حشرات در اشکال اسپری، استیک، لوسیون با ماده موثره deet در داروخانه ها و مراکز معتبر در دسترس هستند.

این سازمان یادآور شد: با توجه به شرایط کنونی بر اساس هماهنگی های انجام شده با کارخانجات تولید کننده، محصولات جدیدی در این زمینه به زودی وارد بازار خواهد شد؛ بدیهی است تمامی اقلام مورد تایید سازمان غذا و دارو

در داروخانه ها و مراکز معتبر در دسترس عموم قرار دارند و استفاده از محصولات فاقد مجوز بهداشتی به دلیل عدم اطمینان از ایمنی و کارایی به هیچ وجه توصیه نمی شود.

بر اساس اعلام معاون درمان وزیربهداشت، از ۲۰۰ نفری که تاکنون با علائم شدید استخوان درد و تب بالای ۴۰ درجه به مراکز درمانی مراجعه کردند، آزمایش ۶۳ نفر در خصوص ابتلا به تب دنگی مثبت شده است ابتلا به بیماری تب دانگ یا دنگی در ماه‌های اخیر در ایران افزایش یافته است، بیماری که عامل آن گزش پشه آئدس است، پشه‌ای که در تایرها و آب‌های راکد کوچک تخمگذاری می‌کند و البته مسافرت به کشورهای همسایه به خصوص امارات می‌تواند به گسترش این بیماری در کشور دامن بزند.

بیماری تب دانگ یا دنگی یک بیمار ویروسی است که از گزش پشه آئدس ایجاد می‌شود. به شرطی که این پشه قبلا فردی را که ویروس این بیماری را داشته نیش زده باشد و بر اثر گزش افراد، ویروس این بیماری را به فرد دیگر منتقل کند در غیر این صورت گزش این پشه به تنهایی خطری ندارد.

یکی از مهمترین علائم این بیماری تب شدید است به همین علت به این بیماری تب استخوان شکن هم می‌گویند. این بیماری بیشتر در مناطق گرمسیر و استوایی دیده می‌شود اما انتقال پشه آئدس به کشورهای دیگر باعث گسترش این بیماری به بیش از ۱۱۰ کشور در دنیا از جمله در اروپا شده است تب، سردرد، کمردرد، درد در پشت چشم، جوش و حساسیت های پوستی و در مواردی خونریزی به خصوص از لثه از جمله علائم اصلی این بیماری است اما گاهی اشتراک علائم آن با برخی بیماری‌های تنفسی مثل کرونا و آنفلوانزا کار شناسایی آن را سخت می کند.

بیماری تب دنگ درمان اختصاصی ندارد اما علائم آن تا حدود ۱۴ روز بعد از گزش پشه آئدس در صورتی که ناقل ویروس این بیماری باشد در فرد بروز می‌کند اما در بیش از ۸۰ درصد موارد علائم بسیار خفیف و در مواردی بدون علامت است. میزان مرگ و میر این بیماری نیز حدود ۲.۵ درصد است اما گسترش این بیماری از طریق تخمگذاری پشه آئدس می تواند سلامت مردم را به خطر بیندازد و در مواردی مرگ آور باشد. بنابراین مهمترین راه برای کنترل این بیماری جلوگیری از تخمگذاری پشه آئدس است، پشه‌ای که در آبهای کوچک راکد مثل ظرف گلدانها یا در داخل تایر خودروها تخمگذاری می کند و در شرایط سخت نیز تخم این پشه زنده می‌ماند.

تاریخ گردی

ناوچه سهند چگونه منهدم شد؟

ارتش ایران از اواسط دهه هشتاد شروع به تولید ناوچه‌های جنگی کرد. این ناوچه‌ها پنج عدد بوده (یکی دیگر از آنها هنوز در حال ساخته شدن است) و «کلاس موج» نام دارند. سومین ناوچه از سری «کلاس موج»، ناوچه سهند نام داشت که در ۱۹ تیر سال ۱۴۰۳ غرق شد. اما این اولین بار نبود که ناوچه سهند غرق می‌شد. نام‌گذاری این ناوچه به «سهند»، به یاد «ناو محافظ سهند» از «سری الوند» بود که در سال ۱۳۶۷ و درجریان درگیری با ایالات متحده غرق شد.

به گزارش رویداد۲۴، ناوچه سهند پیش از انقلاب ناو فرامرز نام داشت و به همراه سه نام دیگر_ با نام‌های الوند، البرز و سبلان_ گروه چهارتایی ناوچه‌های ارتش ایران (با نام کلاس الوند) را تشکیل می‌داد. ناوچه سهند از ادوات جنگی مهم ایران بود. حکومت پهلوی در اوایل دهه چهل سفارش ساخت این ناو را به بریتانیا داد و نهایتا ناو سهند در سال ۱۳۴۹ وارد ناوگان ارتش شاهنشاهی ایران شد.

ناو سهند، مانند سه ناو همتای خود، به ۹ موشک زمین به هوا و پنج موشک ضدکشتی مارتل مجهز بود. وجود این چهار ناو در ارتش ایران نقطه قوت مهمی به حساب می‌آمد چرا که کشورهای منطقه فاقد چنین ادواتی بودند. به همین دلیل پس از پیروزی انقلاب و با آغاز جنگ، درحالی که نیروی زمینی و هوایی ارتش تقریبا فروپاشیده بود، نیروی دریایی ایران همچنان برتری خود را در منطقه حفظ کرده بود. دیلیپ هیرو، مورخ جنگ، درباره برتری نیروی هوایی ایران در سال‌های جنگ ایران و عراق می‌نویسد: «در جریان جنگ ایران و عراق، نیروی دریایی ایران بسیار مجهزتر از نیروی دریایی عراق بود که به بهترین شکل از این برتری استفاده کرد. ایران دارای چهار ناو محافظ بود و تعداد پرسنل نیروی دریایی ایران نیز به چهار برابر پرسنل نیروی دریایی عراق می‌رسید.»

به دلیل همین برتری نظامی بود که نیروی ارتش دریایی ارتش عملیات‌های موفقی همچون انهدام اسکله‌های البکر و الامیه عراق، و عملیات موفق مروارید را به انجام رساند. درواقع اقدامات نیروی دریایی ارتش در سال‌های ابتدایی جنگ مناسبات قدرت را تغییر داد و صدام حسین که وعده داده بود با سرعت ایران را اشغال کند، پس با دیدن برتری نیروی دریایی ایران اعلام کرد که جنگ با ایران ممکن است تا دو سال طول بکشد و شکست خورد در آب‌های خلیج فارس را چنین توجیه کرد: «سلاح ایرانیان پیشرفته‌تر از سلاح‌های عراق است تعداد نیروی دریایی آن‌ها و قدرت سلاح‌هایشان بسیار بیشتر از عراق است. همچنین افسران و سربازان آنها به‌وسیله بهترین کارشناسان آمریکایی آموزش دیده‌اند.» به همین دلیل ناوهای کلاس الوند و به‌ویژه ناو سهند برای ایران بسیار مفید بود. پس از جنگ و در اواسط دهه هشتاد نیز ایران دست به تولید گروه دیگری از ناوها زد که «ناوهای کلاس موج» نام داشتند و از روی ناوهای کلاس الوند طراحی شده بودند. از میان چهار ناوچه سری الوند، سه تای آنها هنوز در ارتش ایران فعال هستند، ولی ناوچه سهند در سال ۱۳۶۷ غرق شد.

رزمندگان نیروی دریایی سپاه پاسداران در تاریخ بیست و پنجم فروردین ماه سال ۱۳۶۷ خلیج فارس را مین‌گذاری کردند و به ناوچه آمریکایی ساموئل بی‌رابرتز آسیب زدند. رویترز خبر را چنین بازتاب داد: «ناوچه ساموئل بی‌رابرتز روز پنجشنبه در منطقه‌ای که عاری از مین اعلام شده بود به مین برخورد کرد. مین جمع‌کن‌های آمریکایی و انگلیسی این منطقه را به نحوی پاکسازی کرده بودند که با مشاهده این مین‌ها فورا به این نتیجه رسیدند که این مین‌ها تازه کاشته شده‌اند. این موضوع بسیار نگران کننده است و به این معنی است که منطقه باید دوباره پاکسازی شود.»

اندکی پیش از این ماجرا نیز «حادثه بریجتون» رخ داده بود که در جریان آن مین‌های ایرانی به نفتکش‌های کویتی آسیب

رساندند. پس از جریان بریجتون، ایالات متحده با درخواست کویت کشتی‌های کویتی را در خلیج فارس اسکورت می‌کرد و سپاه پاسداران قصد داشت به حضور آمریکایی‌ها در خلیج فارس واکنش نشان دهد. ابتدا محسن رضایی دستور حمله قایق‌های تندرو را به ناوچه‌های آمریکایی داده برد، اما سران نظام تصمیم گرفتند از رویارویی مستقیم با آمریکا اجتناب کنند و تصمیم به مین‌گذاری خلیج فارس گرفتند.

زمانی که مین‌های ایرانی به بدنه نفتکش کویتی آسیب زدند، دولتمردان این اتفاق را یک پیروزی بزرگ برای ایران دانستند. نخست وزیر وقت، میرحسین موسوی، آن را «یک ضربه جبران‌ناپذیر به حیثیت سیاسی و نظامی آمریکا» نامید و هاشمی رفسنجانی گفت «از این به بعد اگر چاه‌ها، تاسیسات و مراکز ما مورد اصابت قرار گیرد، ما نیز تاسیسات و مراکز شرکای عراق را مورد هدف حملاتمان قرار خواهیم داد.»

پس از حادثه بریجتون مین‌گذاری‌ها ادامه پیدا کرد و به ناوچه ساموئل بی رابرتز رسید. اما برخلاف تصور دولتمردان ایران، این بار ایالات متحده تصمیم به واکنش گرفت. رونالد ریگان دستور حمله به نیروی دریایی و سکوهای نفتی نصر و سلمان در شمال خلیج فارس را صادر کرد. در جریان این عملیات قایق‌های تندرو ایران نیز نیز مورد هدف هواپیماهای آمریکایی قرار گرفتند و به جزیره ابوموسی عقب نشستند. سپس قایق توپ‌دار جوشن به میدان نبرد آمد که آمریکا به آنها نیز حمله کرد. دو فروند هواپیمای اف۴ نیروی هوایی نیز به میدان نبرد آمدند، اما با واکنش سیستم ضدهوایی ناوهای آمریکایی از صحنه خارج شدند. ۵۶ نفر از ایرانیان در این رویایی کشته شدند و ناو سهند نیز در همین درگیری غرق شد.

هاشمی رفسنجانی در خاطراتش به غرق شدن ناوچه سهند چنین واکنش نشان می‌دهد: «خبر رسید آمریکا به دو سکوی نفتی حمله کرده و آن را به آتش کشیده است. دستور داده شد به سکوی نفتی امارات حمله کنند. پس از حمله ما یک یدک‌کش آمریکایی که در آنجا بود غرق شد. آمریکایی‌ها نیز به ناوچه موشک‌انداز ما حمله کردند و آن را غرق کردند و چند نفر از خدمه آن شهید شدند... نیروهای ما صدمه‌ای به نیروهای آمریکایی وارد نکردند و خود صدمات زیادی دیده‌اند. اما صرف حمله به نیروهای آمریکایی نقطه مثبتی به حساب می‌آید.» ایرانی‌ها از آن تاریخ به بعد در برخورد با نیروهای آمریکایی احتیاط بیشتری به خرج دادند. ایالات متحده نیز چند روز پس از این درگیری نیروهای بیشتری به خلیج فارس اعزام کرد. یکی از این نیروهای اعزامی ناو وینسنس بود که یک هواپیمای مسافربری ایرانی را غرق کرد.

دین و اندیشه

آزادگی در زندگی دنیایی بدون دینداری

سیدمصطفی محقق‌داماد: اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید، پیام الهیاتی این جمله امام حسین(ع) بسیار قابل تحلیل است.

جمله امام(ع) مشتمل بر سه بند است که ما مورد بحث قرار می دهیم:

۱- یا شیعة آل ابی سفیان
۲- ان لم یکن لکم دین ولا تخافون المعاد
۳- فکونوا احراراً فی دنیاکم

قبل از هرچیز باید توجه داشته باشیم که امام (ع) با افرادی روبروست که هرگز مدعی بی دینی نیستند، وبالعکس همه مدعی نهایت تدین وتعبد وتقید به ظواهر وحتی براطن دین هستند. ولی امام انان را نه پیروان رسول الله (ص) بلکه پیروان آل ابی سفیان وازین رهگذرآنان را بی دین خوانده است.

حال سئوال این است که چه رابطه ای میان پیروی آل ابی سفیان وبی دینی آن جمعیت وجود داشته است؟ مگر آل ابی سفیان که بودند وچه می گفتند وپیروان خودرا به چه راهنمائی می کردند که امام رهنمودهای آنانرا بی دینی وغیر دینی خوانده است؟

ناگفته روشن است که ابی سفیان از سران قریش بودکه درفتح مکه درمقابل رسول الله (ص) وبارانش باشمشیر ایستاده بود ولی باشکست قریش به صورت ظاهر مسلمان شد. پیامبر اسلام که بانداشت به ایمان قلبی افراد توجه کند وبه اسلام ظاهری اکتفا می فرمود وهرکس شمشیرش را زمین می گذاشت اورا به عنوان عضوی از اعضای جامعه مسلمین می پذیرفت واورا شهروند مسلمان محسوب می فرمود ، برغم آنکه به وضعیت قلبی ودرونی او آگاه بود ومیدانست که ابدا او قلبا ایمان نیاورده ،ابوسفیان را پذیرفت واز غنائم همانند دیگران وشاید بیش از دیگران سهم داد. ابو سفیان به روابط اجتماعی وروند قدرت کاملا آشنا بود. اونگاهش به حرکت رسول الله (ص) وتعلیمات قرآن یک نگاه ابزار قدرت بود. او براین باور بود که پیامبر اسلام عرب را از چادر نشینی وپراکندگی به تمدن واقتدار رسانده وباید ازاین ابزار بهره برد وازین اقتدار استفاده کرد.

مطالبی که بعدها از زبان نوه ابی سفیان یعنی یزیدبن معاویه نسبت به انکار وحی و نبوت، شنیده شد مطلب تازه‌ای نبود، بلکه دقیقا همان تفسیر و برداشتی بود که جدش ابی‌سفیان درروزهای آغازین پذیرش اسلام نسبت به وحی ونبوت داشت. او معتقد بود که پیامبر اسلام هدفش حکومت، اقتدار، سلطنت و ریاست و سواری برگرده مردم است ولی برای موفقیت ورسیدن به این هدف از مفاهیمی مانند وحی، اتصال به عالم غیب، نزول قرآن وامثال آن استفاده کرده است. تعبیر یزید این بود که رسول خدا (ص)درنقش یک سلطان بازی کرده است. ابی سفیان پیامبر(ص) را در این هدف موفق می‌دید یعنی معتقد بود که وی به این هدف رسیده وقریش و بلکه عرب را بر دیگران پادشاه کرده و همه وسائل و تسهیلات یک برتری و سلطنت کامل را فراهم ساخته است. ابی سفیان با همین نگاه به پیامبر و دین و تعلیمات وارد دین اسلام شد و در انتظار مرگ پیامبر(ص) نشست. با رحلت پیامبر (ص) او برای رسیدن به هدف سعی کرد هرچه سریعتر به قدرت نزدیک شود. در نهج البلاغه سید رضی نقل کرده که پس از بیعت مردم با ابی بکر ابی سفیان با عده ای به سراغ حضرت مولا علی(ع) آمد و پیشنهاد بیعت با او کرد. امام که او را خوب می شناخت و به نیات و اغراضش آشنا بود روبه آنان فرمود وچنین گفت: ای مردم، امواج طوفانی فتنه ها را که حیات شما دریانوردان اقیانوس هستی را به تلاطم انداخته است، با کشتی های نجات بشکافید و پیش بروید. از راه عداوت و نفرت از یکدیگر برگردید، وطریق مهر و محبت پیش بگیرید. تاج های فریبای مباهات و افتخار به یکدیگر را از تارک خود بردارید و بر زمین نهید. آن کس به مقصود خویشتن نائل گشت که پر و بالی داشت و به پرواز در آمد، یا فاقد قدرت بود، از هجوم به مخاطرات خودداری کرد و آسوده گشت. اینگونه زمامداری مانند آبی کثیف است که با مشقت بیاشامند وچونان لقمه ناگواری است که با خوردنش به غصه و اندوه گرفتار آیند. کسی که دست به چیدن میوه نارس ببرد، چونان کشاورزاست که در غیر زمین خود بکارد.

امام (ع) با قطع نظر از وضعیت حقوقی بیعت مردم با ابی بکر، میدانست که ابی سفیان باقرائت خاصی که خودش از دین وبعثت نبوی دارد، میخواهد به هدف خودیعنی قدرت نزدیک شود وازاین نمد برای خود وعشیره وقوم خودکلاه بسازد. لذا دست رد بسینه آنان زد وحرکت آنان را فتنه ومفاخره قومی خواند واثر اختلاف وفتنه را بیان فرمود.

ابی سفیان دوران دو خلیفه یعنی ابی بکر و عمر را تحمل کرد تا آنکه نوبت به عثمان بن عفان رسید. او از قبیله ابی سفیان یعنی بنی امیه بود. لذا بازیگر میدان شد وآن جمله معروف را از زبانش بیرون آمد بسیاری از مورخین و محدثین معتبر سنی و شیعه نوشته و روایت کرده اند و از جمله مسعودی در مروج الذهب می نویسد: چون عثمان بن عفان که از بنی امیه بود به خلافت رسید با جمعی از بنی امیه وارد خانه اش شد. در آن هنگام ابوسفیان که نابینا شده بود به حضار گفت: آیا غیر از بنی امیه کسی در میان شما هست؟ حضار گفتند: نه، ابوسفیان گفت: ای بنی امیه! خلافت اسلامی را مانند گوئی بازیچه خود قرار دهید که قسم به کسی که ابوسفیان به او سوگند یاد می کند من پیوسته آن را برای شما می خواستم و از این پس حکومت اسلامی به وراثت به کودکان شما می رسد.

دراین جمله دقت کنید می بینید اولاً ابی‌سفیان د رسوگند خوردن هم ریا وتظاهر می کند نمی‌گوید به خدا سوگند بلکه می گوید به کسی که ابی سفیان به او سوگند می خورد یعنی واقعا به خدای محمد (ص) اعتقاد ندارد ثانیا کاملا معلوم است که نبوت را چیزی جز سلطنت وقدرت نمی داند و توصیه می‌کند که آنرا مانند تویی در دست گروه خودتان نگاهدارید وبه ارث به نسل بعد منتقل کنید.

بنی‌امیه به توصیه ابی سفیان عمل کردند واقعا همین قرائت از دین را به پیروانشان آموزش دادند. دراین قرائت هرگز اخلاق دینی جایگاهی ندارد وحتی ارزشی هم ندارد، ارزش برپایه قدرت تفسیر می شود، به هروسیله باید نظام قدرت را حفظ کرد، هدف قدرت است و هر وسیله ای به آن برسد قابل توجیه است.

دراین قرائت هرگونه اندیشه وتفکر بایستی درراستای توجیه وسائل انجام گیرد. لذا مطالعه تاریخ فقه وکلام اسلامی نشان می دهد که کاملا این دو دانش در قرون اولیه دربخش سیاسی توجیه گر قدرت خلافت بوده اند. حتی دانش

حدیث نیز همین سرگذشت را داشته است. افرادی با داشتن سابقه هرچندکوتاه ومختصر از مصاحبت رسول‌الله (ص) مبادرت به نقل احادیثی کردند که قدرت را توجیه کند. اغلب این احادیث مجعولات وساخته های خودشان بود. مثلا این حدیث را از پیامبر نقل کردند:

«إذا خرج علیکم خارج یشق عصا المسلمین ویفرق جمعهم فاقتلوه، ما أستثنی أحدا» هر گاه یک نفر بر علیه شما خارج شد و خواست عصای مسلمین را بشکند و بین مسلمین تفرقه ایجاد کند، او را بکشید. من هیچ کسی را استثناء نمی کنم. (استیعاب ابن عبد البر ج ۳ ص ۹۶۰). خلیفه اول وقتی با مخالفت علی (ع) در بیعت با خود مواجه شد. در جریان بیعت گرفتن برای ابوبکر، ابوبکر رفت بالای منبر نگاه به جمعیت کرد، علی(ع) را ندید. پرسید علی کجاست؟ عده ای از انصار رفتند و اورا را آوردند مسجد. ابوبکر برگشت به ایشان گفت: یابنَمَّ رَسُولِ اللهِ أَرَدْتَ أَنْ تَشُقَّ عَصَا الْمُسْلِمِینَ؟ای پسرعموی پیغمبر، آیا تو می خواهی عصای مسلمین را بشکنی؟ (سنن کبری بیهقی ج ۸ ص ۱۴۳) این تعبیر دقیقا مبتنی بر همان جمله بود.

جالب است که حتی بعدها فقیهان اهل سنت بسیاری بخصوص فقیهانی که سمت های قضائی در زمان خود داشتند، در پی توجیه فقهی و شرعی قدرت خلافت بخصوص خلافت امویان بودند و کتابها نوشتند یکی از کتابهای بسیار مهم کتابی است که توسط قاضی ابی بکربن عربی مالکی تحت عنوان العواصم من القواصم فی تحقیق مواقف الصحابه بعد وفاة النبی (۴۶۸-۵۴۳هق) تالیف شده واخیرا در قاهره تحقیق ومنتشرشده است مطالع این کتاب نشان می دهد که چگونه نویسنده تلاش کرده تمام جنایات خلفاء از جمله یزید را در کشتن سید الشهداء (ع) توجیه فقهی کند!!

این قرائت از دین همه نهادهای دینی را در استخدام قدرت قرارمی دهد و از آن بهره می‌گیرد. همه آنهارا به گونه ای تفسیر می کند که درتایید قدرت باشد. نمازجمعه، روزه ماه رمضان، حج بیت الله، جهادفی سبیل الله، زکات، امر به معروف ونهی از منکر. مردمی که برای کشتن امام حسین (ع)به کربلا آمده بودند دینداران بودند ولی دینی با چنین تعریف وتفسیر این است معنای یا شیعة آل ابی‌سفیان. یعنی ای دینداران با تعریف ابی‌سفیان.

جمله ان لم یکن لکم دین ولا تخافون المعاد، هرچند یک جمله شرطیه است ولی شرطیه نه تنها تقریری بلکه تثبیتی است. حسین بن علی (ع) که دین با قرائت ابی سفیان را نه تنها دین نمی داند بلکه آفتی برای بشریت می داند می گوید حال که دین واقعی را ندارید که ندارید و دین سفیانی دارید که بهراست نداشته باشید زیراکه کاملا انحرافی و غیر صحیح است، این دین بسیار خطرناک ومهلک است، شمارا به درنده‌ای تبدیل کرده که فقط کشتن وخونخواری را ارزش میداند. نه رحم می فهمد ونه جوانمردی، همه ارزشهارا به پای قدرت قربانی می کند...

ادامه در همین صفحه